

ارتش هولوگرافیک و خط‌مشی دفاع پوششی؛ تأملی آینده‌پژوهانه بر سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران

علی اصغر پورعزت^۱
هاشم سوداگر^۲
ماجد ناجی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۸۷/۴/۱۰
تاریخ تأیید مقاله: ۸۷/۵/۲
صفحات مقاله: ۹-۳۹

چکیده

در حالی که حکومت‌ها باید خط‌مشی‌های مکملی را در جهت تأمین امنیت ملی اتخاذ نمایند، توسعه ارتش هولوگرافیک از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ارتش هولوگرافیک ارتشی مردمی است که با تکیه بر دفاع پوششی در متن جامعه، ماشین جنگی دشمن مهاجم را مختل ساخته، هزینه سلطه بلندمدت دشمن را بسیار سنگین می‌سازد؛ چنین ارتشی بر بنیان حمایت‌های مردمی و توسعه فناوری دفاعی ویژه شهروندان توسعه می‌یابد. ارتش کلاسیک خلاصه آنچه را که عامه مردم باید بدانند به مردم می‌آموزد و مردم در هر منطقه از کشور فراخور مقتضیات جغرافیایی و فرهنگی آن منطقه آرایشی بهینه می‌آفرینند. بنابراین، ارتش هولوگرافیک ضمن بهره‌مندی از حمایت فنی ارتش رسمی، به طور مستقل و لسی هماهنگ با آن، و در جهت اهداف آن فعالیت می‌کند. بدین ترتیب، در حالی که در شرایط عادی هیچ هزینه‌ای از حیث نیروهای انسانی به کشور تحمیل نمی‌کند، در صورت لزوم به

۱ - استادیار گروه مدیریت دولتی دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.

۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق (ع).

۳ - دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق (ع).

صفی مستحکم از نیروهای مردمی تبدیل می‌شود که هر بخش آن در عین استقلال، به اهداف ارتش کلان و کلاسیک کشور مدد می‌رساند و در حالی که به طور مداوم صدمات زیادی را متوجه دشمن می‌سازد، در متن جامعه ناپدید می‌شود. هزینه مقابله با چنین ارتشی، هزینه مقابله با کل یک ملت و نسل‌کشی همه آحاد آن است؛ از این رو قدرت بازدارندگی چنین ارتشی با قدرت بازدارندگی ارتش‌های کلاسیک قابل مقایسه نیست.

کلید واژگان

تأمین امنیت، سپاه عامه، نیروهای مسلح، پیوندهای اجتماعی، بافت فرهنگی جامعه، ساختارهای اقتصادی، نهادهای سیاسی.

مقدمه

امنیت از جمله مهم‌ترین و حیاتی‌ترین نیازهای فردی و اجتماعی انسان‌ها است. اهمیت و نقش امنیت در پیشرفت جوامع تا حدی است که آن را مقدمه هرگونه توسعه اجتماعی می‌دانند. مجموعه بررسی‌های تاریخی مربوط به علل کمتر توسعه یافتگی ایران حاکی از آن است که بی‌ثباتی و عدم امنیت تنها عامل یا یکی از مهم‌ترین عوامل عدم توسعه بوده است. (رجب‌زاده، ۱۳۷۵: ۲۱۶) امروزه امنیت، به مثابه یکی از مهم‌ترین نیازهای جوامع، ابعاد گوناگونی را در بر می‌گیرد. یکی از ابعاد مهم امنیت که در حوزه امنیت ملی مطرح می‌گردد، امنیت در برابر تهاجم بیگانگان است. هر کشور ممکن است در هر زمان به مثابه یک منبع، مد نظر بیگانگان قرار گرفته و با حضور متجاوزانه خاک آنان را اشغال نمایند. از این رو، حفظ تمامیت ارضی و جلوگیری از حضور متجاوزانه بیگانگان در خاک کشور، از بارزترین مصادیق استقرار امنیت به شمار می‌آید. این بحث بسیار پر دامنه و قدیمی است و حتی از سابقه‌ای طولانی مطالعاتی در محافل

دانشگاهی برخوردار است؛ تا جائی که آدام اسمیت^۱ نیز در کتاب معروف «ثروت ملل»^۲ بیان می‌کند که «اولین وظیفه حاکمان» حفاظت از جامعه در برابر تهاجم سایر جوامع است. (Smith, 1776: 215) هرچند آدام اسمیت تنها راه مواجهه با این تهدید بالقوه را تشکیل و تدارک نیروی نظامی می‌داند؛ ولی راه‌های دیگری نیز برای تأمین این قسم از امنیت قابل توصیه است. در این نوشتار، ابتدا رویکردهای عمده به تأمین امنیت در برابر تهاجم بیگانگان و سیاست‌های راهبردی کشورها برای دستیابی به این قسم از امنیت تبیین می‌گردد و در ادامه به بحث در مورد الگوی مناسب تأمین امنیت برای جمهوری اسلامی ایران پرداخته می‌شود.

رویکردهای عمده به تأمین امنیت در برابر تهاجم بیگانگان

در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان انواع خط‌مشی‌های راهبردی مورد توجه کشورها برای تأمین امنیت در مقابل تهاجم دشمنان را در دو رویکرد بیان نمود. رویکرد اول در بر گیرنده متداول‌ترین و قدیمی‌ترین خط‌مشی‌هایی است که در طول تاریخ همواره مورد توجه جوامع و حکومت‌ها بوده است. این رویکرد به تقویت نیروی دفاع ملی به منظور ایجاد توان مقابله با هرگونه تجاوز احتمالی تأکید دارد. رویکرد دوم که سابقه‌ای کمتر از رویکرد اول دارد، به جنبه‌های روانی بروز جنگ توجه دارد. در این رویکرد هدف اصلی حکومت، بازدارندگی^۳ و یا به عبارتی کاهش انگیزه تهاجم در دشمنان بالفعل و بالقوه است. همان‌طور که از ماهیت رویکرد اول برمی‌آید، مهمترین نتیجه آن افزایش توان نظامی کشور است و می‌توان آن را به یک سیستم کارآمد پزشکی تشبیه کرد که همواره خود را برای درمان هرگونه بیماری آماده نگه می‌دارد. البته قابل تأمل است که توان نظامی

1 - Adam Smith, (1723-1790)

2 - The Wealth of Nations, 1776

3 - Deterrence

جامعه می‌تواند صرفاً در نیروهای مسلح کشورها متمرکز شده و یا در سراسر بافت جامعه توزیع گردد. اما در رویکرد بازدارندگی آنچه بیش از هر چیز مورد توجه است، پیشگیری از بروز بیماری است. خط‌مشی‌های راهبردی که در رویکرد بازدارندگی مورد استفاده قرار می‌گیرند، به دو دسته قابل تقسیم می‌باشند: اول، تقویت نیروی نظامی و قرار دادن آن در معرض دید دشمنان بالفعل و بالقوه به منظور یادآوری هزینه‌هایی که در صورت تهاجم متحمل خواهند شد. دوم، ایجاد و تقویت پیوندهای قوی با دیگر کشورها. این کار باعث می‌شود که هم انگیزه تهاجم از رقبا گرفته شود و هم در صورت تهاجم کشوری ثالث همان رقیبی که دارای پیوندهای قوی با کشور اول است، در صدد حمایت از او بر آید و هزینه‌های دیپلماتیک کشور مهاجم را افزایش دهد.

خط‌مشی‌های کلی تأمین امنیت در مقابل تهاجم بیگانگان

کشورهای گوناگون بنا به رویکردی که به مقوله تأمین امنیت در مقابل تهاجم بیگانگان دارند، خط‌مشی‌های گوناگونی را مورد توجه قرار می‌دهند. در این نوشتار انواع خط‌مشی‌های مورد استفاده کشورها به سه دسته تقسیم شده‌اند:

الف) تجهیز نیروهای مسلح

ب) ایجاد و تقویت پیوندهای قوی و انعطاف‌پذیر با دیگر کشورها

ج) آموزش و ساماندهی نیروهای مردمی به منظور ایجاد و تقویت توان دفاع در بافت جامعه

البته قابل تأمل است که برخی از این خط‌مشی‌ها ماهیتاً هم در رویکرد دفاع کاربرد دارند و هم در رویکرد بازدارندگی؛ از این رو، نوع رویکرد حکومت‌ها در به کارگیری هر یک از این خط‌مشی‌ها بسیار تعیین‌کننده خواهد بود. نکته قابل تأمل دیگر آن که برخی از این خط‌مشی‌ها هم‌چون تجهیز نیروهای مسلح از برخی دیگر، هم‌چون ایجاد توان دفاع در بافت، متداول‌تر هستند؛ ولی این امر به

هیچ وجه به دلیل کارایی بیشتر آنها نیست؛ بلکه در بسیاری از موارد این امر به دلیل عدم توان کشورها در به کارگیری خطمشی‌های جایگزین صورت می‌پذیرد. در ادامه، هر یک از این خطمشی‌ها و برخی از کشورهایی که آنها را در پیش گرفته‌اند، مد نظر قرار می‌گیرند.

تقویت نیروهای مسلح

متداول‌ترین و با سابقه‌ترین روش تأمین امنیت در برابر تهاجم بیگانگان تقویت و تجهیز نیروهای مسلح رسمی کشورهاست. به کارگیری این خطمشی برای تأمین امنیت قدمتی به اندازه تاریخ تشکیل حکومت‌های متمرکز دارد. قدرت نیروهای مسلح شرایطی را ایجاد می‌کند که هم در رویکرد دفاعی و هم در رویکرد بازدارندگی به خوبی قابل استفاده باشند؛ زیرا اگر کشوری از قوای مسلح نیرومندی برخوردار باشد که ضمن برخورداری از نیروی انسانی آموزش‌دیده و خبره از ادوات نظامی و تسلیحاتی پیشرفته برخوردار باشند، هم توان بازدارندگی بالایی دارد که موجب کاهش انگیزه تهاجم دشمنان خواهد شد و هم در صورت بروز هرگونه جنگ احتمالی، توان بالایی در دفاع از مرزها را نشان می‌دهند. نکته قابل تأمل این است که برخی از کشورها هم‌چون اتحاد جماهیر شوروی سابق و کره شمالی برای تأمین امنیت خود صرفاً به این سیاست روی می‌آورند و برخی دیگر، از ترکیبی از این خطمشی با سایر خطمشی‌ها بهره می‌برند. شایان ذکر است که این تحلیل به این معنی نیست که تقویت ارتش در کشورهای مورد بررسی صرفاً به منظور دفاع از خود بوده است؛ چه بسا که این کشورها مترصد تهاجم و جنگ افروزی نیز بوده‌اند. ولی هدف این پژوهش صرفاً بررسی کارکرد دفاعی نیروهای مسلح است.

شوروی سابق - شوروی سابق به مثابه یک ابرقدرت جهانی نمونه بارز کشوری است که تنها راه دفاع از خود را برخورداری از نیروهای مسلح قوی و

مجهز به پیشرفته‌ترین تسلیحات می‌دانست. رهبران این کشور بجز در دوره‌هایی کوتاه از حاکمیت سیاسی سوسیالیسم در این سرزمین بر سرمایه‌گذاری در صنایع نظامی بیش از سرمایه‌گذاری در صنایع غیرنظامی تأکید داشتند و همواره بهترین مدیران، نیروی کار و منابع کشور را به بخش نظامی تخصیص می‌دادند. قابل تأمل است که در اواخر سال‌های ۱۹۸۰ یک چهارم تولید ناخالص شوروی به بخش نظامی تخصیص داده می‌شد و این در حالی بود که تحلیل‌گران غربی تصور می‌کردند که این رقم چیزی در حدود ۱۵٪ است! در آن زمان، در شوروی از هر ۵ نفر نیروی کار یک نفر در صنایع نظامی مشغول به کار بود و در برخی از مناطق این کشور این رقم حتی به نیمی از نیروی کار فعال نیز می‌رسید! این در حالی بود که در همین زمان در ایالات متحده امریکا حدود یک شانزدهم از تولید ناخالص ملی صرف بخش نظامی می‌شد و حدود یک شانزدهم نیروی کار فعال کشور در این بخش مشغول به کار بودند. این روند تا آنجا ادامه یافت که در سال ۱۹۸۹ یک چهارم از کل جمعیت اتحاد جماهیر شوروی به نوعی درگیر فعالیت‌های بخش نظامی این کشور بودند؛ چه در صنایع نظامی، چه در ارتش و چه در خدمت وظیفه عمومی. (Wikipedia, 2008 a) مجموعه این عوامل موجب پیشرفت فوق‌العاده شوروی در بخش نظامی شد، تا جایی که برخی از تحلیل‌گران بر این باورند که بلوک شرق از نظر نظامی بر غرب تفوق داشت، ولی آنچه زمینه‌ساز فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی شد، عدم توجه به وضعیت اقتصادی و رفاه اجتماعی بود! میخائیل گورباچف در مقام بیان علل فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی بر این باور بود که رهبران شوروی همواره مبلغ ایدئولوژی بودند که اقوام این کشور را به دشمنی با بخش اعظمی از جهان تحریک می‌کرد و از این رو، به طور روزافزون در مسابقه تسلیحاتی شرکت می‌نمودند. این وضعیت منابع کشور را به نابودی می‌کشاند و مجتمع نظامی - صنعتی را به میدان عمل سیاست و افکار عمومی تبدیل می‌کرد. (گورباچف، ۱۹۹۸: ۴۴)

کره شمالی - کره شمالی از جمله کشورهایی است که برای تأمین امنیت خود صرفاً به قدرت نظامی تکیه دارد. ارتش این کشور ۱/۲۱ میلیون نفر نیروی انسانی در اختیار دارد و در رتبه چهارم بزرگ‌ترین ارتش‌های جهان قرار دارد. (U.S. Department of State, 2008) کره شمالی بیشترین سرانه نیروی نظامی در جهان را در اختیار دارد، به طوری که از هر ۱۰۰۰ نفر از مردم کره شمالی، ۴۰ نفر آنها نظامی هستند. (Nation Master, 2008) بر اساس گزارش وزارت امور خارجه امریکا، کره شمالی حدود یک چهارم تولید ناخالص ملی خود را به فعالیت‌های نظامی تخصیص می‌دهد. (U.S. Department of State, 2008) از دیگر نشانه‌های قدرت نظامی کره شمالی می‌توان به این مسأله اشاره کرد که صادرات جنگ‌افزارهای موشکی یکی از مهم‌ترین اقلام درآمدی این کشور را تشکیل می‌دهد، ضمن اینکه در سال ۲۰۰۶ با انجام اولین آزمایش تسلیحات هسته‌ای خود رسماً به باشگاه کشورهای دارای بمب اتم پیوست. (SIPRI Yearbook, 2004 & 2007) مهم‌ترین خط‌مشی که از سال ۱۹۹۵ در کره شمالی رسماً در حال پیگیری است، «سونگون»^۱ یا خط‌مشی اولویت فعالیت‌های نظامی^۲ است. در این خط‌مشی، نیروی نظامی به مثابه مهم‌ترین منشأ قدرت کره شمالی مد نظر قرار گرفته و فعالیت‌های نظامی نسبت به سایر فعالیت‌های این کشور مهم‌تر تلقی می‌شوند؛ در حالی که این کشور از حیث اقتصادی در وضعیتی نابسامان بوده، بسیاری از مردم این کشور در فقر به سر می‌برند. بر اساس گزارشی در سال ۲۰۰۶، تحقیقات «برنامه جهانی غذا»^۳ و «یونیسف»^۴ نشان می‌دهد که ۷٪ از کودکان کره شمالی از سوء تغذیه مفرط رنج می‌برند، ۳۷٪ کودکان این کشور دچار سوء تغذیه مزمن

1 - Songun

2 - "Military First" policy

3 - World Food Programme

4 - UNICEF

می‌باشند، ۲۳/۴٪ از کودکان کره شمالی وزنی کمتر از حد طبیعی دارند و یک سوم مادران در این کشور با سوء تغذیه و کم‌خونی مواجه هستند. قابل تأمل است که طبق این گزارش پیگیری خط‌مشی سونگون از سوی دولت این کشور موجب افزایش قیمت غذاهای پایه‌ای^۱ در کره شمالی شده است. (Wikipedia, 2008 b & c)

همان‌طور که اشاره شد، مزیت عمده توجه به خط‌مشی تجهیز و تقویت نیروهای مسلح آن است که ضمن ایجاد بازدارندگی در مقابل جنگ‌افروزی‌های بیگانگان، امکان دفاع از مرزها را در صورت بروز هرگونه تجاوز احتمالی فراهم می‌آورد. مزیت دیگر بها دادن به ارتش تأثیرات مثبت آن بر غرور ملی و ایجاد نوعی اعتماد به نفس در جامعه است که این امر نیز به نوبه خود ناشی از همان قدرت دفاع و بازدارندگی نیروهای مسلح است. اما در به کارگیری این خط‌مشی باید توجه داشت که تأکید بیش از حد بر آن و عدم ترکیب آن با سایر خط‌مشی‌های موجود، آفت‌های متعددی برای کشور در پی خواهد داشت.

بخشی از مهم‌ترین پیامدهای منفی توجه بیش از حد به این خط‌مشی آثار نامطلوب اقتصادی آن است. ریشه این مشکلات، تک‌منظوره بودن بیشتر هزینه‌های نظامی است. کشورهایی که پیروی از این خط‌مشی را تنها راه تأمین امنیت خود می‌دانند معمولاً به دلیل اهمیت امنیت ملی و تمامیت ارضی هرگونه هزینه برای تجهیز و تقویت نیروهای مسلح خود را موجه می‌پندارند؛ بدون توجه به اینکه منابع اقتصادی در دسترس بشر (مدیریت، کار، سرمایه و منابع طبیعی) از کل خواسته‌های وی محدودتر بوده و تصمیم‌گیری برای هزینه کردن آنها باید با حداکثر هوشمندی انجام شود. (تقوی، ۱۳۷۷: ۸) چنین کشورهایی توجه ندارد که منابعی را صرف هزینه‌های نظامی می‌کنند که امکان استفاده از آنها در بخش‌های غیرنظامی نیز وجود دارد. (Whynes, 1979) از این رو بدیهی است که

1 - basic foods

همواره تخصیص منابع اقتصادی کمیاب به هزینه‌های نظامی باعث کاهش فرصت توسعه در سایر عرصه‌ها نظیر زیرساخت‌های اقتصادی، بهداشتی و آموزشی می‌شود. قابل تأمل است که در چند دهه گذشته بررسی‌هایی با هدف شناسایی تأثیر متقابل فعالیت‌های دفاعی و سیستم اقتصادی در دو سطح ملی و بین‌المللی انجام گرفته که موجب ساماندهی یک حوزه مطالعاتی تحت عنوان «اقتصاد دفاع» گردیده است. (McGuire, 1995: 16) در پی اظهار نظر بنوت^۱ در ۱۹۷۳ مبنی بر تأثیر منفی هزینه‌های نظامی بر توسعه اقتصادی، مطالعات متعددی در مورد تأثیر این قسم از هزینه‌ها بر رشد اقتصادی کشورها انجام گرفت.^۲ (Yildirim & others, 2005: 283) مجموعه این مباحث نشان می‌دهد که دفاع مقوله‌ای گران، بحث برانگیز و پیچیده است و حتی برای یک ابرقدرت بلامنزاع نیز قابل تأمل است. (Forster & Cimballa, 2005: 1) به عبارت دیگر، اکثر هزینه‌های نظامی تک منظوره بوده، غیر از افزایش توان نظامی و دفاعی کشورها مزیت دیگری برای آنها ندارند. نمونه‌های مورد بررسی در این نوشتار نیز مؤید این نظریه است که پیامد توجه بیش از حد به فعالیت‌های نظامی و دفاعی و در واقع پیامد دیدن راه‌حل تمام مشکلات در توسعه قدرت نظامی، عدم رشد اقتصادی و بروز فقر فراگیر در جامعه خواهد بود. قابل تأمل است که با تأکید بیش از حد بر این خط‌مشی همان امنیتی که باید زمینه‌ساز رشد و توسعه اقتصادی شود، به شیوه‌ای تأمین می‌شود که خود بزرگ‌ترین مانع بر سر راه رشد اقتصادی کشور است. البته به منظور کمینه‌سازی پیامدهای منفی هزینه‌های نظامی برای سیستم اقتصادی کشور یک مدل مفهومی تحت عنوان «ارتش مجازی» با

1 - Benoit, E.

۲ - برای مطالعه بیشتر در این باره، رک به:

Dunne & others (2005), Whynes (1979), Karagol (2006), Collier & Hoeffler (2006), Deger & others (1983 & 1995), Ihori (2004), Seiglie (1998), Yildirim & Cal (2006), Poast (2006)

استفاده از «برنامه‌ریزی سلولی عصرمدار» پیشنهاد شده است. ارتش مجازی در واقع، ارتشی است واقعی که بخشی از ظرفیت خود را در حالت بالقوه نگه می‌دارد. تفاوت اصلی سبک سنتی و متداول ارتش با ارتش مجازی این است که ارتش سنتی عبارت است از نیرویی کاملاً مسلح و تجهیز شده که با هدف آمادگی اقدام و کنش سریع در برابر هرگونه جنگ تمام عیار طراحی شده است. بنابراین، تهیه تمامی تسلیحات و تجهیزات مورد نیاز این ارتش ضرورت دارد. این در حالی است که در ارتش مجازی ادوات نظامی مورد نیاز نیروهای مسلح به دو دسته دائمی و تکمیل شونده تقسیم می‌شوند. ادوات دائمی باید همواره آماده باشند و در محل‌های مورد نیاز نگهداری شوند. ادوات تکمیل شونده شامل اقلامی هستند که تهیه و انبار نمودن آنها در سطحی وسیع هزینه‌های زیادی در بر دارد و به لحاظ اقتصادی توجیه پذیر نیست. کار مدل برنامه‌ریزی سلولی عصرمدار این است که انواع ادوات مورد نیاز ارتش مجازی را به عنوان سلول‌های متنوع شناسایی کرده و برای تهیه آنها در عصرها و دوره‌های گوناگون به دقت برنامه‌ریزی نماید. (پورعزت و دیگران، ۱۳۸۶) اما قابل تأمل است که حتی اجرای کامل سیستم ارتش مجازی نیز پیامدهای منفی ناشی از توجه بیش از حد به خط‌مشی تقویت و تجهیز نیروهای مسلح را برطرف نخواهد نمود. این در حالی است که برای مثال، خط‌مشی تقویت پیوندهای قوی و منعطف با دیگر کشورها (رک: Scott & Davis, 2007: 93-94-141)، هم موجب توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌شود و هم به نوعی تأمین امنیت نسبی در برابر تهاجم بیگانگان را در پی خواهد داشت.

اشکال دیگر تأکید بیش از حد بر خط‌مشی تجهیز نظامی این است که این روش به تنهایی توانایی تأمین کامل امنیت در مقابل تهاجم بیگانگان را نخواهد داشت. در کشورهایی که برای تأمین این قسم از امنیت صرفاً بر توان نیروی‌های مسلح تأکید می‌شود، همواره این تهدید وجود دارد که اگر به هر دلیلی این

نیروها در مواجهه با قوای دشمن ناکام بمانند، دیگر هیچ نیرویی برای مقابله با قوای دشمن وجود ندارد و دشمن به راحتی می‌تواند به بافت جامعه نفوذ کند؛ مشکلی که در صورت به کارگیری خط‌مشی ساماندهی نیروهای مردمی برای مواجهه با دشمن تا حدود زیادی بر طرف خواهد شد.

از دیگر اشکالات تمرکز صرف بر خط‌مشی تجهیز نظامی، توسعه استعداد بالقوه کشورها برای جنگ‌افروزی است. تقویت و تجهیز نیروهای نظامی هر چند در ابتدا صرفاً به منظور افزایش توان دفاعی کشور انجام گرفته باشد، ممکن است در بلندمدت موجب غرور نظامیان و دولتمردان این کشورها شده، انگیزه جنگ‌افروزی را در آنان تقویت نماید.

در نهایت، از میان اشکالات توجه بیش از حد به خط‌مشی تجهیز نظامی می‌توان به افزایش حساسیت سایر کشورها نسبت به فعالیت‌های نظامی این کشور و در نتیجه بروز حالت جنگ سرد اشاره نمود. اگر کشورهای رقیب احساس کنند که با حکومتی مواجهند که بدون نگرانی از به خطر افتادن منافع مشترک خود با دیگر کشورها صرفاً در پی افزایش توان نظامی خویش است، احتمالاً در صدد تقویت زرادخانه‌های خود برخواهند آمد؛ مسأله‌ای که در بلندمدت به نفع هیچ کشوری نخواهد بود. زیرا علاوه بر صرف هزینه‌های هنگفت در امور نظامی و عدم جذب آنها در سایر حوزه‌ها، صلح جهانی را نیز به خطر خواهند انداخت.

اما همان‌طور که اشاره شد، تقویت و تجهیز نیروهای مسلح تنها خط‌مشی ممکن برای تأمین امنیت در برابر تهاجم بیگانگان نیست و خط‌مشی‌های دیگری نیز به طور مکمل با این خط‌مشی برای تأمین امنیت قابل توصیه است.

ایجاد و تقویت پیوندهای قوی و انعطاف‌پذیر با دیگر کشورها

در بررسی خط‌مشی‌های کلان کشورها برای تأمین امنیت در مقابل تهاجم بیگانگان، کشورهای جلب توجه می‌کنند که علی‌رغم برخورداری از سطح

مطلوبی از امنیت در این حوزه به داشتن یک نیروی نظامی قدرتمند معروف نیستند. بررسی برخی از این کشورها نشان می‌دهد که تأمین امنیت در چنین کشورهایی در واقع پیامدی از اجرای خط‌مشی کلان ایجاد و تقویت پیوندهای قوی میان منافع آنها و دیگر کشورهاست. قابل تأمل است که در این خط‌مشی از میان رویکردهایی که به شیوه‌های تأمین امنیت در مقابل تهاجم بیگانگان وجود دارد، صرفاً به رویکرد بازدارندگی توجه می‌شود. از آنجا که بازدارندگی ناشی از اجرای این سیاست به قدرت نظامی کشور مربوط نمی‌شود و بیشتر ناظر بر عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است، می‌توان آن را «بازدارندگی نرم» نامید. واضح است که ارائه تحلیل حاضر به این معنی نیست که پیگیری خط‌مشی تقویت پیوندهای قوی با دیگر کشورها صرفاً به دلایل امنیتی انجام می‌گیرد؛ ولی در این پژوهش صرفاً به پیامدهای امنیتی این خط‌مشی توجه شده است.

خط‌مشی ایجاد و تقویت پیوندهای قوی و انعطاف‌پذیر با دیگر کشورها در حوزه‌های گوناگونی قابل اجراست و از این نظر می‌توان پیوندها را به دو دسته پیوندهای اقتصادی و پیوندهای اجتماعی و فرهنگی تقسیم نمود.

دسته نخست که بیش از سایر انواع پیوندها مورد توجه دولت‌هاست، شامل پیوندهای قوی میان منافع اقتصادی و تجاری کشورها می‌باشد. در این بخش، کشورها با فراهم نمودن زمینه جذب سرمایه‌های خارجی در واقع به تعاملات هر چه بیشتر اقتصادی با دیگر کشورها می‌پردازند؛ اما پیامد مهم امنیتی این فعالیت‌ها در امان ماندن کشور میزبان از تهاجم نظامی کشور سرمایه‌گذار است. زیرا در صورت بروز هرگونه ناامنی در کشور میزبان در درجه اول بخش قابل توجهی از منافع اقتصادی خودش به خطر خواهد افتاد. قابل تأمل است که در این صورت کشور سرمایه‌گذار انگیزه‌ای برای تهاجم نظامی به کشور میزبان نخواهد داشت، ضمن اینکه در صورت تهاجم نظامی کشوری ثالث به کشور میزبان ولو برای حفظ منافع اقتصادی خود، در صدد حمایت از کشور میزبان بر خواهد آمد. مشخص

است که میزان بازدارندگی حاصل از اجرای این خط‌مشی، ارتباط مستقیمی با میزان پایداری پیوندهای اقتصادی بین دو کشور و در واقع میزان منافع کشور سرمایه‌گذار دارد. ایجاد ائتلاف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، تأسیس مناطق آزاد تجاری و اقتصادی، تسهیل سرمایه‌گذاری خارجی، انجام سرمایه‌گذاری مشترک، ایجاد فعالیت‌های مشترک تولیدی، تأسیس بانک‌های مشترک و جذب شعب بانک‌های خارجی در کشور بعضی از اقداماتی هستند که در این بخش می‌توانند مورد توجه قرار گیرند. از میان کشورهایی که در پیگیری این خط‌مشی موفق بوده‌اند و می‌توان گفت که بخش قابل توجهی از امنیت خود در مقابل تهاجم بیگانگان را از این طریق تأمین کرده‌اند می‌توان به سوئیس اشاره کرد. سوئیس، کشوری کوچک در مرکز قاره اروپا می‌باشد که دو سوم سرزمین آن از جنگل، دریاچه و سنگ پوشیده شده است و منابع طبیعی و اراضی قابل کشاورزی آن بسیار محدود است؛ همین امر باعث شده که این کشور به نوعی از اقتصاد صنعتی روی بیاورد که در آن مواد اولیه از خارج وارد می‌شوند و پس از فرآوری به صورت محصولات و کالاهای آماده و مرغوب به خارج از کشور صادر می‌شوند. طبیعتاً در این نوع سیستم اقتصادی میل شدیدی به تبادلات بازرگانی گسترده با سایر کشورها وجود دارد. این کشور به طور سنتی در قبال مسائل بین‌المللی مشی بی‌طرفی¹ اختیار کرده است. از مهم‌ترین دلایل روی آوردن سوئیس به چنین خط‌مشی می‌توان به تأمین امنیت و تمامیت ارضی این کشور کوچک در مقابل همسایگان قدرتمندی هم‌چون فرانسه و آلمان و نیز پیش‌گیری از بروز تفرقه بین اقوام و ملیت‌های گوناگون در بافت اجتماعی آن اشاره نمود. خط‌مشی بی‌طرفی سوئیس و آرامش اجتماعی آن، به اضافه‌ی میل شدید اقتصاد این کشور به توسعه تبادلات بازرگانی با خارج موجب ایجاد نوعی امنیت پولی و مالی کم‌نظیر در این

1 - Neutrality

کشور شده است. ترکیب این مزیت کم‌نظیر با تجربه طولانی این کشور در عملیات پولی و بانکی موجب رشد خارق‌العاده شبکه پولی در آن شده است؛ به طوری که اغراق‌آمیز نخواهد بود که این کشور را گاو صندوق دنیا خوانند. علاوه بر این، استقرار بسیاری از معابر و گذرگاه‌های استراتژیک اروپا در سرزمین سوئیس باعث شده که وابستگی جهان به خدمات سوئیس، روز به روز در حال افزایش باشد. (فلاح سیجانی، ۱۳۷۷: ۱ و ۹۳ و ۲۳۷) قابل تأمل است که در شرایطی که بیشتر کشورهای دنیا در یک کشور منافع اقتصادی قابل توجهی دارند، علاوه بر اینکه انگیزه‌ای برای تهاجم نظامی به آن کشور نخواهند داشت، در صورت تهاجم کشوری ثالثی به این کشور احتمالاً در صدد حمایت از شریک اقتصادی خود برخواهند آمد. به همین دلیل است که سوئیس به مثابه کشوری که خط‌مشی کلان تأمین امنیت خود در برابر تهاجم بیگانگان را «توسعه پیوندهای قوی با دیگر کشورها» قرار داده است، شناسایی می‌شود. طبق آمار رسمی منتشر شده توسط آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا^۱ در سال ۲۰۰۷، این کشور فقط یک درصد از تولید ناخالص داخلی^۲ خود را صرف هزینه‌های نظامی^۳ کرده است و از این نظر در رتبه ۱۳۵ جهان قرار دارد. (CIA, 2007)

دسته دوم پیوندهایی که می‌توانند به ایجاد بازدارندگی نرم منجر شوند، عبارتند از پیوندهای اجتماعی و فرهنگی بین دو کشور. این نوع پیوندها را نیز به نوبه خود می‌توان به پیوندهای بین دو ملت و پیوند بین دولت یک کشور با ملت کشوری دیگر تقسیم نمود. برای مثال، مردم دو کشور کره شمالی و کره جنوبی پیوندهای عمیق اجتماعی و فرهنگی شامل روابط خویشاوندی و پیشینه مشترک تاریخی با یکدیگر دارند و این عامل را می‌توان به عنوان یک متغیر کلیدی در

1 - Central Intelligence Agency

2 - Gross Domestic Product (GDP)

3 - Military Expenditure

معادلات سیاسی و نظامی منطقه جنوب شرقی آسیا به حساب آورد. از سوی دیگر، دولت‌ها می‌توانند با بذل توجه به دیپلماسی عمومی، یا به عبارتی دیپلماسی مردم محور زمینه نزدیکی بیش از پیش خود به مردم دیگر کشورها را فراهم سازند. اصطلاح «دیپلماسی عمومی»^۱ اولین بار توسط ادmond گولینون^۲ در آمریکا و در سال ۱۹۶۵ به کار گرفته شد. وی دیپلماسی عمومی را تأثیرگذاری بر نگرش‌های عمومی برای شکل‌دهی و اجرای سیاست‌های خارجی می‌داند. دیپلماسی عمومی ابعادی از روابط بین‌المللی را در بر می‌گیرد که فراتر از دیپلماسی سنتی هستند و از جمله آنها می‌توان به تأثیرگذاری بر افکار عمومی به وسیله دولت‌ها در کشورهای دیگر اشاره نمود. (آشنا، ۱۳۸۳: ۲۴۰) مسائلی از قبیل اعزام دانشجویان به خارج، پذیرش بورس‌های تحصیلی، برگزاری انواع جشنواره‌های هنری، همایش‌ها و سمینارهای فرهنگی و پخش برنامه‌های صوتی و تصویری و حتی ایجاد سایت‌های اینترنتی، همگی در حوزه دیپلماسی عمومی قابل بحث هستند. به این ترتیب دولت‌ها می‌توانند با ترسیم وجهه‌ای موجه از خود برای مردم دیگر کشورها از حمایت آنها نسبت به سیاست‌های خود برخوردار شوند. پیامد امنیتی این امر نیز ایجاد نوعی بازدارندگی اجتماعی برای دولت‌های آن ملت‌ها در مقابل درگیری نظامی با این دولت است.

مزیت خاص خط‌مشی «ایجاد و تقویت پیوندهای قوی و انعطاف‌پذیر با دیگر کشورها» نسبت به خط‌مشی «تقویت نیروهای مسلح» به منظور تأمین امنیت در برابر تهاجم بیگانگان در این است که خط‌مشی اخیر ماهیتاً ناظر بر رویکرد بازدارندگی صرف و تأمین امنیت از این طریق است. به عبارت دیگر، همان‌طور که اشاره شد، بیشتر هزینه‌هایی که برای تقویت و تجهیز نیروهای مسلح صرف می‌شوند تک منظوره هستند و غیر از بخش نظامی و امنیتی در دیگر بخش‌ها

1 - Public Diplomacy

2 - Edmund Gullion

تأثیر بسزایی ندارند؛ این در حالی است که خط‌مشی تقویت پیوندها سیاستی دو منظوره است. به این صورت که از یک سو، به طور مستقیم موجب رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور می‌شود و از سوی دیگر، کشورهای که دارای پیوندهای قوی با این کشور هستند، دیگر به آن به مثابه یک منبع بی‌دفاع نمی‌نگرند، بلکه منافع خود را نیز در تأمین امنیت آن می‌بینند، و این امر علاوه بر اینکه عاملی بازدارنده در مقابل تهاجم نظامی آنها به آن کشور است، آنها را به حمایت از تأمین امنیت آن بر می‌انگیزاند.

البته اجرای صرف این خط‌مشی برای حفظ تمامیت ارضی کشور بدون بهره‌مندی مناسب از سایر سیاست‌های قابل استفاده در این حوزه یک مشکل اساسی دارد. پیش‌فرض اساسی اقدام به چنین کاری این است که کشورهای که منافع و وابستگی‌های مشترک دارند، با یکدیگر درگیر نخواهند شد. به عبارت دیگر، این خط‌مشی صرفاً شرایطی را ایجاد می‌کند که بر اساس، یک کشور امیدوار خواهد بود کشور دیگری به خاکش تجاوز نخواهد کرد؛ این در حالی است که در عالم پیچیده روابط سیاسی و نظامی در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی نمی‌توان انتظار داشت که همه کشورها همواره از چنین قواعدی پیروی کنند. برای مثال، می‌توان به حمله عراق به کویت در ۱۹۹۰ اشاره نمود. قابل تأمل است که با وجود پیوندهای عمیق اجتماعی و فرهنگی بین دو ملت مسلمان، عرب و همسایه عراق و کویت و هم‌چنین روابط دیرینه اقتصادی دولت‌های دو کشور باز هم دولت عراق به کشور کویت به مثابه یک منبع نگاه کرده و در صدد تصاحب آن برآمد. پس می‌توان گفت، از آنجا که خط‌مشی توسعه پیوندهای قوی و انعطاف‌پذیر با دیگر کشورها صرفاً جنبه بازدارندگی دارد و به تنهایی منجر به توسعه هیچ‌گونه نیروی نظامی در کشور نمی‌شود، باید با سایر خط‌مشی‌های قابل تأمل برای حفظ تمامیت ارضی به صورتی مناسب و هوشمندانه ترکیب گردد.

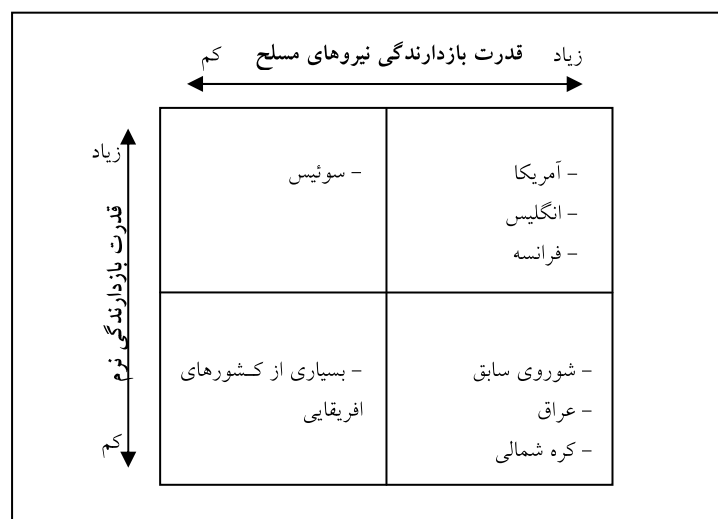
مقایسه دو خطمشی اول و بررسی جایگاه کشورها

با توجه به ویژگی‌ها و مشخصات بیان شده برای هر کدام از دو خطمشی فوق می‌توان ضعف‌ها و قوت‌های آنها را در جدول زیر خلاصه نمود:

دستاوردها		خطمشی غالب
<ul style="list-style-type: none"> - قدرت دفاع بالفعل - بازدارندگی قوی - تقویت غرور ملی 	قوت‌ها	تقویت نیروهای مسلح
<ul style="list-style-type: none"> - هزینه‌های هنگفت نظامی - بی‌دفاع ماندن مردم در صورت شکست نیروهای مسلح از دشمن - غرور نظامیان و دولتمردان و در نتیجه توسعه میل به جنگ‌افروزی - دامن‌زدن به بروز جنگ سرد تسلیحاتی 	ضعف‌ها	
<ul style="list-style-type: none"> - تمرکز بر بازدارندگی - ارتباط مستقیم با توسعه 	قوت‌ها	سیاست ایجاد و تقویت پیوندهای قوی و انعطاف‌پذیر با دیگر کشورها
<ul style="list-style-type: none"> - نادرست بودن پیش‌فرض اساسی: عقلانی عمل کردن همه کشورها - عدم توان دفاع در صورت بروز جنگ احتمالی 	ضعف‌ها	

جدول شماره ۱ - ضعف‌ها و قوت‌های دو خطمشی «تقویت نیروهای مسلح» و «ایجاد پیوندهای قوی و انعطاف‌پذیر با دیگر کشورها»

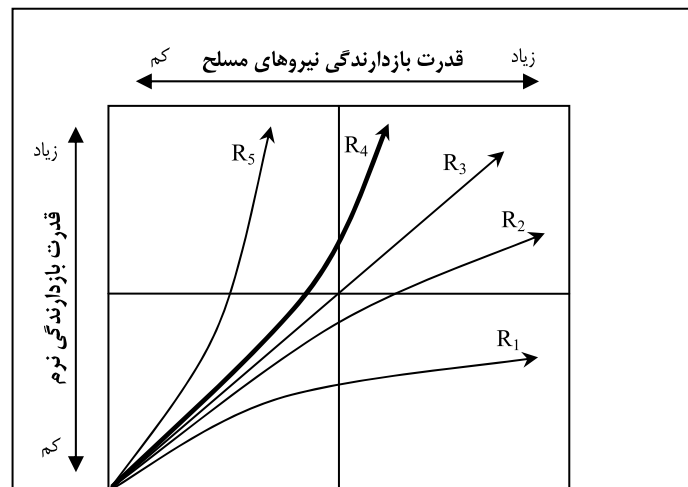
می‌توان بیشتر کشورها را از حیث میزان بهره‌گیری از خط‌مشی‌های فوق در دو طیف تصور نمود؛ به این ترتیب، کشورهای گوناگون در حالت‌های افراطی در چهار گروه طبقه‌بندی می‌شوند. شمایی از این طبقه‌بندی و نمونه‌هایی از کشورهای شاخصی که در هر گروه قرار دارند، در نمودار ۱ نمایش داده شده است.



نمودار شماره ۱ - طبقه‌بندی کشورها بر اساس «قدرت نیروهای مسلح» و «قدرت بازدارندگی نرم»

قابل تأمل است که کشورهای گوناگون برای تأمین امنیت مرزهایشان، مسیرهای متفاوتی را در دو پیوستار فوق در پیش می‌گیرند. این مسیر شدیداً تحت تأثیر چشم‌انداز کشورها از آینده خود و موقعیتشان در جامعه بین‌الملل قرار دارد. برخی از مسیرهای مهمی که در این حرکت قابل بررسی هستند، در نمودار ۲ نمایش داده شده‌اند. حال سؤال این است که مسیر مناسب برای جمهوری اسلامی ایران در میان این گزینه‌های پنجگانه کدام است. به نظر می‌رسد که در حال حاضر، مناسب‌ترین و ممکن‌ترین گزینه برای جمهوری اسلامی ایران مسیر

چهارم (R4) است. این مسیر از یک سو، خط‌مشی ایجاد و تقویت پیوندهای قوی و انعطاف‌پذیر با دیگر کشورها علاوه بر مزایایی که در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و دیگر کشورها دارد، با ایجاد و تقویت مؤلفه‌های بازدارندگی نرم، ضریب امنیت کشور را در برابر تهاجم بیگانگان به میزان زیادی افزایش می‌دهد و از سوی دیگر، بر ضرورت پیگیری خط‌مشی تقویت نیروهای مسلح (به صورت موازی) تأکید دارد. البته قابل تأمل است که با توجه به اهمیت منابع اقتصادی کمیاب برای توسعه همه‌جانبه جمهوری اسلامی ایران و از سوی دیگر، هزینه‌های هنگفتی که بر پیگیری خط‌مشی تقویت نیروهای مسلح مترتب است، باید در پیگیری ترکیبی از این دو خط‌مشی بسیار هوشمندانه عمل نمود.

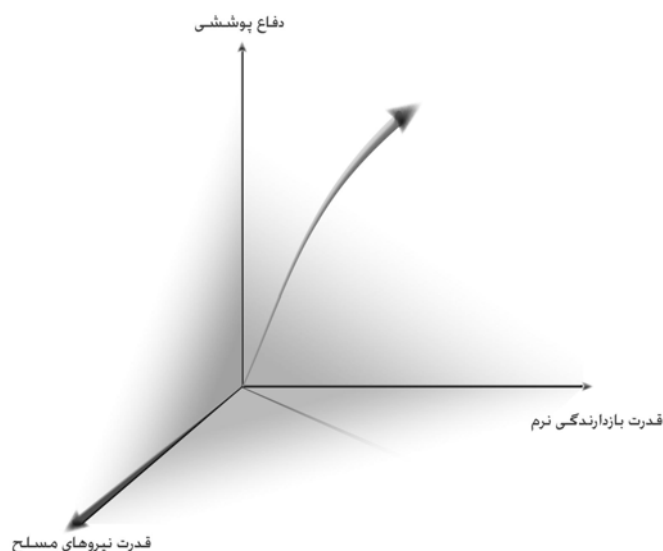


نمودار شماره ۲ - انواع مسیرهای ممکن برای توسعه روش‌های تأمین امنیت در برابر تهاجم بیگانگان (با تکیه بر دو خط‌مشی «تقویت نیروهای مسلح» و «تقویت پیوندهای قوی و انعطاف‌پذیر با دیگر کشورها»)

آنچه تا به حال در مورد خط‌مشی مناسب برای تأمین امنیت جمهوری اسلامی ایران در مقابل تهاجم بیگانگان ذکر شد، فقط بر اساس یک مدل دو بُعدی بود؛ در حالی که بُعد سوم نیز قابل توجه است. بعد سوم که بارها موجب تغییر قاعده بازی در معادلات سیاسی و نظامی منطقه‌ای و بین‌المللی شده است: بُعد میزان اتکا به حمایت مردمی؛ بنابراین، می‌توان گفت که مسیر حرکت ایران، در یک نمودار سه بُعدی قابل تحلیل است.

ارتش هولوگرافیک یا دفاع پوششی

مزیت خاص جمهوری اسلامی ایران جهت تأمین امنیت در برابر تهاجم بیگانگان بهره‌مندی از حمایت و همکاری همه‌جانبه مردمی در مقابله با هرگونه اقدام جهت نقض تمامیت ارضی کشور توسط بیگانگان است؛ مزیتی که در دنیای امروز منحصر به فرد می‌نماید. پیگیری چنین سیاستی در حوزه امنیت ملی موجب ایجاد یک نیروی خارق‌العاده دفاع پوششی متکی به بافت اجتماعی می‌گردد که از نظر نوع کارایی، هم جنبه بازدارندگی بالایی دارد و هم در صورت بروز هرگونه تجاوز احتمالی، به صورت یک قدرت بالفعل قابل اتکا از توان بالایی جهت مقابله با دشمن برخوردار است. به این ترتیب، می‌توان نمودار مسیر حرکت جمهوری اسلامی ایران را برای این قسم از امنیت به صورت نمودار ۳ ترسیم نمود:



نمودار شماره ۳ - ابعاد خطمشی کلان جمهوری اسلامی ایران برای تأمین امنیت در برابر تهاجم بیگانگان

در اینجا تأمل بر مفهوم هولوگرام جالب توجه است؛ هولوگرام بر نوعی سیستم یادگیرنده دلالت دارد که رفتارهای یک سیستم مبدأ را در همه خرده سیستم‌های خود شبیه‌سازی می‌کند؛ به طوری که هر قطعه جدا شده از سیستم بتواند همه ویژگی‌های سیستم را بازنمایی کند و بازسازی دقیق و حتی بازآفرینی سیستم را میسر سازد. (Morgan, 2006: 100) سابقه استفاده از این مفهوم در طراحی نیروی دفاعی به طراحی ارتش بیست میلیونی در اوایل انقلاب اسلامی ایران بر می‌گردد. ارتشی که در ساختارهای مشابهی در کوچک‌ترین سطح واحدها به گروه‌های ۲۲ نفره‌ای تقسیم می‌شد که در هر یک تمامی تخصص‌های نظامی و پشتیبانی وجود داشت.

البته در تاریخ ایران نمونه‌های متعددی برای اثبات اثر تعیین‌کننده

حمایت‌های مردمی از حکومت‌ها و حضور آنان در صحنه دفاع از کشور وجود دارد. در این نمونه‌ها به خوبی قابل مشاهده است که هر جا که مردم از حکومت‌های خود حمایت نکرده‌اند، این حکومت‌ها به سادگی و البته به صورتی مفتضحانه صحنه نبرد را به دشمن متجاوز واگذار نموده‌اند. یکی از نمونه‌های بارز چنین شکست‌هایی، شکست داریوش سوم از اسکندر مقدونی است. حکومت هخامنشی که در حدود چند قرن به منزله بزرگ‌ترین قدرت و بلکه تنها ابرقدرت جهانی مطرح بود، علی‌رغم برخورداری از ارتشی بسیار بزرگ و کاملاً مسلح به دلیل انحطاط اخلاقی هیأت حاکمه و عدم برخورداری از حمایت مردمی نتوانست در برابر نیروهای اسکندر که در برابر ارتش ایران بسیار ناچیز بودند، مقاومت کند. (پیرنیا، ۱۳۶۲: ۱۳۹۴-۱۲۹۱؛ طاهری عطار، ۱۳۸۵: ۹۲-۸۸)

چنین شکست‌های مفتضحانه‌ای در دوره‌های دیگری از تاریخ ایران نیز به چشم می‌خورد؛ نظیر شکست ساسانیان از اعراب (پورعزت و میرزمانی، ۱۳۸۶: ۴۹-۴۲)، هم‌چنین در هجوم وحشیانه محمود افغان بیست و چهار ساله با سپاهیان در حدود ۲۰ هزار نفر به راحتی قلب سرزمین تحت فرمان شاه سلطان حسین صفوی محاصره شد؛ وی پس از محاصره ۶ ماهه اصفهان موجبات بروز قحطی شدید و مرگ حداقل ۸۰ هزار نفر از مردم این شهر را در اثر گرسنگی و بیماری فراهم آورد و سرانجام به آسانی وارد شهر شد و به سلطنت وارثان امپراتوری گسترده شاه عباس اول خاتمه داد. قابل تأمل است که حکومت صفویان در مدت بیش از نیم قرن که از مرگ شاه عباس اول می‌گذشت به دست شاهانی نالایق، تن‌پرور و خوشگذران اداره می‌شد که نه به وضعیت عامه مردم توجه داشتند و نه به تحرکات نظامی و سیاسی دشمنان خارجی خود واکنش‌های درخور توجهی نشان می‌دادند. در این دوران که بنیادهای سیاسی، نظامی و اجتماعی دولت صفویه بی‌وقفه در حال فرسایش بود، وضع مردم روز به روز بدتر می‌شد. برای مثال، در این دوران راه‌ها شدیداً ناامن شده بودند و طبق گزارشی که سفیر

عثمانی در مورد وضعیت ایران در زمان شاه سلطان حسین به سلطان عثمانی تسلیم کرد، قلت تعداد کشتکاران در این دوره منجر به دو برابر شدن بهای گندم، جو و سایر اقلام در ایران شده بود. (سیوری، ۱۹۸۰: ۲۲۸-۲۰۳؛ طباطبایی، ۱۳۸۲: ۳۵-۴۷) طبیعی است که چنین حکومتی از هیچ‌گونه پایگاه مردمی برخوردار نباشد و در مواقع بحران نیز از همکاری و حمایت آنان محروم بماند. اما یکی از بهترین نمونه‌هایی که در دوران معاصر، مدعای فوق مبنی بر تأثیر تعیین‌کننده حمایت‌های مردمی بر دفاع از مرزها را اثبات می‌کند، تجربه ارزشمند هشت سال دفاع مقدس است. به قول آقای هاشمی رفسنجانی تهاجم تمام عیار ارتش عراق به خاک جمهوری اسلامی ایران زمانی روی داد که نظام اسلامی در حال تصفیه عناصر وابسته به حکومت سابق و بیگانگان در ارتش بود و بخش قابل توجهی از نیروهای رده بالای ارتش فرار کرده و یا محبوس شده بودند و هنوز کسی جایگزین کارشناسان آمریکایی که از ایران رفته بودند، نشده بود. ضمن اینکه تعداد زیادی از قراردادهای تسلیحاتی مکمل قدرت ارتش، در روزهای قبل از انقلاب اسلامی از سوی دولت وقت لغو شده و سپاه پاسداران نیز هنوز شکل نگرفته بود. (درودیان، ۱۳۸۰: ۲۰) در چنین شرایطی بود که مقاومت نیروهای مردمی بویژه در شهرها بسیاری از کاستی‌ها و نواقص را جبران نمود و همین امر نقشی بسیار تعیین‌کننده در ناکامی ارتش عراق داشت. در واقع، آنچه که پس از تهاجم عراق در داخل ایران روی داد، ظهور دفاع مردمی در شهرها بود و این همان چیزی بود که «قدرت پنهان ایران» را تشکیل می‌داد و دشمنان جمهوری اسلامی ایران، آن را در محاسبات خود ندیده بودند. (درودیان، ۱۳۸۰: ۳۲ و ۳۴؛ مک‌کلیپ، ۱۹۹۵: ۳۳)

مزایای شکل‌دهی به ارتش هولوگرافیک

شاید مهم‌ترین مزیت پیگیری خط‌مشی توسعه ارتش هولوگرافیک، تحقق قدرت دفاع در بافت اجتماعی باشد. دفاع در بافت جامعه و آمادگی نیروهای مردمی به این معناست که برای تصرف کشور به هیچ‌وجه انهدام مراکز نظامی و استراتژیک توسط موشک و نیروی هوایی کافی نیست؛ بلکه برای ورود به خاک کشور و تسلط بر آن، باید کوجه به کوجه و خانه به خانه پیشروی کرد؛ همان اتفاقی که در دوران دفاع مقدس در بسیاری از مناطق درگیر جنگ از جمله خرمشهر روی داد. قابل تأمل است که ارتش عراق که با هدف نابودی نظام جمهوری اسلامی، آن هم در مدتی بسیار کوتاه، تهاجمی همه جانبه را آغاز کرده بود، برای تصرف و پاکسازی خرمشهر فقط تیپ ۳۳ نیروی مخصوص خود را در نظر گرفته بود، اما به دلیل مواجهه با مقاومت دلیرانه نیروهای مردمی، در نهایت با اختصاص ۲ لشکر به این جبهه و پس از ۳۴ روز جنگ و گریز موفق به اشغال خرمشهر شد و در ادامه نیز با یک جنگ فرسایشی هشت ساله مواجه شد که منتهی به عقب‌نشینی آن به مرزهای بین‌المللی گردید. (درودیان، ۱۳۸۰: ۳۳)

مزیت دیگر ارتش هولوگرافیک قابلیت آن به مثابه یک عامل بازدارنده استراتژیک است. قابل تأمل است که میزان بازدارندگی این عامل با بازدارندگی ناشی از قدرت تسلیحاتی نیروهای نظامی قابل مقایسه نبوده و به مراتب بیشتر است؛ زیرا کمتر متجاوزی توان پرداخت هزینه‌های اشغال خانه به خانه یک کشور را دارد.

از دیگر مزایای این خط‌مشی آماده کردن امکان توسعه «ارتش مجازی» در حوزه «نیروی انسانی» است. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، هدف از پیشنهاد ارتش مجازی در حوزه تسلیحات و ادوات نظامی مورد نیاز نیروهای مسلح، صرفه‌جویی در هزینه‌های نظامی به منظور فراهم نمودن امکان بهره‌گیری از منابع کمیاب در راستای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بوده است. (پورعزت و

دیگران، ۱۳۸۶). قابل تأمل است که با بذل توجه به خط‌مشی توسعه ارتش هولوگرافیک و دفاع پوششی، و آموزش و بسیج نیروهای مردمی به منظور ایجاد توان دفاع در برابر تهاجم بیگانگان نیاز به نیروی انسانی تمام وقت فعال در نیروهای مسلح کمتر خواهد شد و در نتیجه در یک اقتصاد خود مدیریت شده می‌توان این نیروها را جذب سایر بخش‌ها هم‌چون بخش‌های اقتصادی جامعه نمود و به صورت مستقیم در توسعه اقتصادی کشور مشارکت داد.

چگونگی تحقق ارتش هولوگرافیک

یک تفاوت زیربنایی خط‌مشی دفاع پوششی با سایر خط‌مشی‌های مورد اشاره در این پژوهش، ماهیت مردمی و خودجوش آن است، و نکته قابل توجه در این مسأله این است که سازمان ارتش و سپاه باید به گونه‌ای انعطاف‌پذیر و یادگیرنده طراحی شود که بتوان به صورت نمادین ادعا کرد که اگر در یک منطقه فقط یک عضو از سپاه یا ارتش باقی بماند باید آنقدر تجربه و قابلیت داشته باشد که بتواند به سرعت از میان مردم عادی یک ارتش مجهز را سازماندهی کرده، به صورت هولوگرافیک اداره نماید. در این رویکرد نباید به مردم هم‌چون نظامیانی رسمی نگریست که در هر لحظه موظف به اجرای دستورات مافوق بوده و در اختیار سیستم نظامی و دفاعی قرار دارند؛ بلکه میزان مشارکت نیروهای مردمی در مسائل نظامی و دفاعی، ارتباط مستقیمی با مجموعه‌ای از عوامل نگهدارنده و عوامل انگیزشی دارد. منظور از عوامل نگهدارنده عواملی حداقلی است که شرط لازم برای تحقق ارتش هولوگرافیک به شمار می‌آیند؛ نظیر مشروعیت نظام حاکم: مردم فقط از نظامی دفاع کرده و جان خود را برای آن به مخاطره خواهند انداخت که مورد قبول آنها باشد. این همان موضوعی است که در مورد حمله اسکندر، اعراب، چنگیز و محمود افغان در مقایسه با دوران هشت سال دفاع مقدس به وضوح جلوه‌گری می‌کند. از دیگر عوامل نگهدارنده در این حوزه

می‌توان به تصور مردم از میزان تحقق عدالت اجتماعی در سطح جامعه اشاره نمود. فرهنگ منفعت‌طلبی که در شرایط عدم تحقق عدالت اجتماعی در جامعه ظاهر می‌شود، مانعی جدی بر سر راه توسعه فرهنگ ایثار و از خودگذشتگی به شمار می‌آید.

دسته دیگر عوامل تأثیرگذار در تحقق دفاع پوششی عوامل انگیزشی هستند. عوامل انگیزشی عواملی هستند که هر چه بیشتر به آنها بها داده و بیشتر تقویت شوند، میزان مشارکت مردم در دفاع از تمامیت ارضی کشور بیشتر خواهد شد. شاید بتوان بیشتر عوامل قابل طرح در این حوزه را در عوامل مؤثر بر «روحیه بسیجی» خلاصه نمود؛ عواملی هم‌چون معنویت‌گرایی، احساس تکلیف، ولایت‌مداری، آرمان‌خواهی، آگاهی و بصیرت، عدالت‌خواهی، وطن‌دوستی، دنیا‌گریزی و فرهنگ ایثار و شهادت‌طلبی^۱.

الزامات توسعه ارتش هولوگرافیک

با وجود عوامل نگهدارنده و انگیزشی و تلاش مستمر برای ارتقای آنها می‌توان به وجود حداقل‌های لازم برای مشارکت مردم در امر دفاع امیدوار بود. در گام بعد و برای بالفعل نمودن ارتش هولوگرافیک لازم است که در زمان صلح به آموزش و ساماندهی نیروهای مردمی برای دفاع با حداقل امکانات و حداقل نیاز به سازماندهی رسمی در زمان بحران مبادرت ورزید.

نکته قابل تأمل آن است که سیستم نرم‌افزاری سازماندهی این نیروها باید به حدی پیچیده باشد که در صورت بالفعل شدن، دشمنان و مهاجمان نتوانند منطق توسعه و سازماندهی و شیوه فرماندهی و نیز سرهم‌افزایی آن را شناسایی کنند. این ارتش باید به صورت توأم از ساختارهای انعطاف‌پذیر و سخت بهره بگیرد.

۱ - رک به: بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق^(ع)، ۱۳۸۰.

گاهی متکی به ارتش رسمی باشد و گاهی در صورت عدم امکان برخوردار از حمایت ارتش رسمی بتواند خود اتکا بوده و حتی ارتش رسمی را تحت حمایت خود قرار دهد.

این ارتش باید بتواند با احتساب کلیه امکانات صنعتی و اقتصادی کشور در مواقع لزوم به سازماندهی منابع داخلی پرداخته، کل کشور را به صورت پوششی و فراگیر عملاً درگیر جنگ نماید. زیرساخت‌های توسعه چنین ارتشی، زیرساخت‌های سخت‌افزاری اقتصادی، سیاسی یا صنعتی نیستند، بلکه عمدتاً زیرساخت‌های نرم‌افزاری و فرهنگی بوده، بر اعتقادات و باورهای مردم استوار می‌باشند.

نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش بررسی انواع خطمشی‌های کلان مورد توجه کشورها برای تأمین امنیت خود در برابر تهاجم بیگانگان و نیز تبیین ترکیب مناسبی از این خطمشی‌ها برای جمهوری اسلامی ایران بود. به طور خلاصه می‌توان گفت که انواع خطمشی‌های فوق‌الذکر عبارتند از «تقویت نیروهای مسلح»، «ایجاد و تقویت پیوندهای قوی و انعطاف‌پذیر با دیگر کشورها» و «ایجاد و توسعه ارتش هولوگرافیک و دفاع پوششی». طبیعی است که هر یک از این خطمشی‌ها مزایا و معایب خاص خود را داشته، انتخاب یکی یا ترکیبی از آنها پیامدهای مثبت یا منفی قابل تأملی برای کشور خواهد داشت. از این رو، مدل مطلوب خطمشی دفاعی جمهوری اسلامی ایران ترکیبی از همه خطمشی‌های فوق‌الذکر خواهد بود؛ به صورتی که در این مدل بر لزوم پیچیده‌سازی بافت دفاع ملی از طریق بسیج نیروهای مردمی و تقویت پیوندهای قوی با سایر کشورها و نیز تجهیز نظامی تأکید می‌شود. قابل تأمل است که با پیگیری خطمشی‌های سه‌گانه فوق در قالب یک مدل جامع و تحقق مقاصد آن، تنها راهی که برای تهاجم به کشور باقی می‌ماند حملات ضربتی به مراکز نظامی و استراتژیک، با موشک‌های دوربرد و

نیروی هوایی و خروج سریع پس از چنین حملاتی است. بدیهی است که با کارگیری اصول پدافند غیرعامل در مکان‌یابی و طراحی چنین مراکزی و به طور هم‌زمان تقویت پدافند هوایی و توسعه توان مقابله به مثل و نیز به‌کارگیری سایر خط‌مشی‌های دفاعی از سوی نیروهای مسلح امکان اثربخشی چنین حملاتی از سوی دشمن به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش می‌یابد.

نکته مهم و قابل تأمل بازآفرینی مستمر توان نظامی عامه مردم و بهبود مستمر روش‌های سازماندهی آنها فراخور طبیعت و مقتضیات جغرافیایی هر منطقه از کشور است. ارتش هولوگرافیک، ارتشی خود سازمان‌دهنده و خودزاست؛ ارتشی که خود را توسعه می‌دهد و دائماً از حوادث می‌آموزد و راهبردهای دفاعی خود را به صورت یادگیرنده بهبود می‌بخشد و البته در صورت لزوم کل جامعه را درگیر می‌کند.

منابع

- ۱ - آشنا، حسام‌الدین (۱۳۸۳) "فرهنگ، ارتباطات و سیاست خارجی، ارائه مدلی برای دیپلماسی عمومی"، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق^(ع)، شماره ۲۱.
- ۲ - بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق^(ع) (۱۳۸۰) بسیج چیست؟ بسیجی کیست؟، واحد پژوهش و نشر.
- ۳ - پورعزت، علی‌اصغر، علی‌اکبر فرهنگی، اعظم میرزمانی (۱۳۸۶) "تحلیل شکست نظامی و فروپاشی تمدنی در حکومت‌های باستانی ایران بر اساس دولت هوشمند (مورد مطالعه: سلوکیان، اشکانیان و ساسانیان)"، فصلنامه مدیریت نظامی، دانشگاه افسری امام علی^(ع)، شماره ۲۷.
- ۴ - پورعزت، علی‌اصغر، هاشم سوداگر، ماجد ناجی (۱۳۸۶) "توسعه ارتش مجازی از طریق برنامه‌ریزی سلولی عصر مدار"، فصلنامه مدیریت نظامی، دانشگاه افسری امام علی^(ع)، شماره ۲۷.
- ۵ - پیرنیا (مشیرالدوله)، حسن (۱۳۶۲)، "تاریخ ایران باستان"، تهران، دنیای کتاب، چاپ دوم، جلد دوم.
- ۶ - تقوی، مهدی (۱۳۷۷)، "مبانی علم اقتصاد"، تهران، انتشارات صنایع ایران، چاپ پنجم.
- ۷ - درودیان، محمد (۱۳۸۰)، "سیری در جنگ ایران و عراق: آغاز تا پایان (سالنمای تحلیلی)"، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، چاپ چهارم.
- ۸ - رجب‌زاده، احمد (۱۳۷۵) "ریشه‌های ساختاری بی‌ثباتی و ناامنی در ایران و تأثیر آن بر توسعه"، توسعه و امنیت عمومی، اداره کل امنیتی معاونت امنیتی و انتظامی وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۶.
- ۹ - سیوری، راجر (۱۹۸۰) "ایران عصر صفوی"، ترجمه احمد صبا، ۱۳۶۳، تهران، کتاب تهران.
- ۱۰ - طاهری‌عطار، غزاله (۱۳۸۵) "بررسی نقش عدالت در بقا و فروپاشی مدیریت دولت‌ها (مطالعه موردی: دوره هخامنشیان)"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
- ۱۱ - طباطبایی، سیدجواد (۱۳۸۲) "سقوط اصفهان به روایت کرولیسنکی"، نشر نگاه معاصر.

- ۱۲ - فلاح‌سیچانی، احمدرضا (۱۳۷۷) سوئیس، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران.
- ۱۳ - گرباچف، مخائیل (۱۹۹۸) "اندیشه‌هایی درباره گذشته و آینده «فروپاشی به روایت گورباچف»"، ترجمه سفارت جمهوری اسلامی ایران در مسکو، وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۳.
- ۱۴ - مک‌کلیپ، جی. دال. (۱۹۹۵) "نگرشی جدید به استراتژی عراق در جنگ خلیج فارس"، ترجمه علی‌رضا کاوه، سیاست دفاعی، دانشگاه امام حسین (ع)، شماره ۱۴، بهار ۱۳۷۵.
- 15 - CIA, 2007, "The Online World Factbook 2007", ISSN 1553-8133, <https://www.cia.gov/library/publications/download/2007/factbook.zip>, Retrieved on 2007-08-04.
- 16 - Collier, Paul, Anke Hoeffler, 2006. "Military expenditure in post-conflict societies," *"Economics of Governance"*, Springer, vol. 7(1).
- 17 - Deger, Saadet; Ron Smith, 1983 (Jun), "Military Expenditure and Growth in Less Developed Countries", *"The Journal of Conflict Resolution"*, Vol. 27, No. 2.
- 18 - Deger, Saadet; Somnath Sen, 1995. "Military Expenditure and Developing Countries", in Keith Hartley & Todd Sandler, Eds. *"Handbook of Defense Economics"*, 1. Amsterdam. Elsevier.
- 19 - Dunne, J. Paul, Ron P. Smith, Dirk Willenbockel, 2005, "Models of Military Expenditure and Growth: A Critical Review", *"Defence and Peace Economics"*, Vol. 16(6), December.
- 20 - Forster, Peter k., Stephen J. Cimbala, 2005, *"The US, NATO and military burden-sharing"*, London, Frank Cass.
- 21 - Ihuri, Toshihiro, 2004, "Arms Race and Economic Growth", *"Defence and Peace Economics"*, Vol. 15(1), February.
- 22 - Karagol, Erdal, 2006, "The Relationship between External Debt, Defence Expenditures and GNP Revisited: The Case of Turkey", *"Defence and Peace Economics"*, Vol. 17(1), February.
- 23 - McGuire, Martin c., 1995, "Defense Economics and International Security", *"Handbook of Defense Economics, Volume 1"*, in Keith Hartley and Todd Sander (Eds.), Elsevier Science B.V.
- 24 - Morgan, Gareth, 2006, *"Images of Organization"*, Updated edition, Sage.

- 25 - Nation Master, 2008, "Army personnel (per capita) (most recent) by country", [http:// www.nationmaster.com /graph /mil _arm _per _percap -military-army-personnel-per-capita](http://www.nationmaster.com/graph/mil_arm_per_percap-military-army-personnel-per-capita), Retrieved on 2008-03-20.
- 26 - Poast, Paul, 2006, "The Economics of War", New York, McGraw-Hill.
- 27 - Scott, W. Richard, Gerald F. Davis, 2007, "Organization and Organizing: Rational, Natural, Open system perspective", Pearson Education.
- 28 - Seiglie, Carlos, 1998 (May), "Defence Spending in a Neo-Ricardian World", "Economica", New Series, Vol. 65, No. 258.
- 29 - "SIPRI Yearbook", 2004, Stockholm International Peace Research Institute.
- 30 - "SIPRI Yearbook", 2007, Stockholm International Peace Research Institute.
- 31 - Smith, Adam, 1776, "The Wealth of Nations, Volume II", in Lloyd Reynolds and William Fellner (Eds.), 1963, IRWIN Paperback Classics In Economics.
- 32 - "U.S. Department of State", 2008, "Background Note: North Korea", [http:// www.state.gov /r /pa /ei /bgn /2792.htm](http://www.state.gov/r/pa/ei/bgn/2792.htm), Retrieved on 2008-03-20.
- 33 - Whynes, David K., 1979, "The economics of third world military expenditure", The Machillan Press LTD.
- 34 - "Wikipedia", 2008 a, "Military history of the Soviet Union", [http:// en.wikipedia.org/ wiki/ Military history of the Soviet Union #ref _Aslund](http://en.wikipedia.org/wiki/Military_history_of_the_Soviet_Union#ref_Aslund) , Retrieved on 2008-03-19.
- 35 - "Wikipedia", 2008b, "North Korea", [http:// en.wikipedia.org /wiki /North _Korea #_note-bgn](http://en.wikipedia.org/wiki/North_Korea#_note-bgn), Retrieved on 2008-03-20.
- 36 - "Wikipedia", 2008 c, "Songun", <http://en.wikipedia.org/wiki/Songun>, Retrieved on 2008-03-19.
- 37 - Yildirim, Jülide, Nadir Cal, 2006, "Arms Race and Economic Growth: The Case of India and Pakistan", "Defence and Peace Economics", Vol. 17(1), February.
- 38 - Yildirim, Jülide, Selami Sezgin, Nadir Öcal, 2005 (August), "Military Expenditure and Economic Growth in Middle Eastern Countries: A Dynamic Panel Data Analysis", "Defence and Peace Economics", Volume 16, Issue 4.

